

کارگروپیشناز

شماره ۴۳ خرداد ۱۳۹۹

ما صدای دوم شلاق هستیم ۲ص

پرستاران و ویروس سرمایه داری! ۳ص

بحران مسکن (در حاشیهی قتل آسیه پناهی) ۴ص

عرضه شستا در بازار بورس: غارت آشکار سرمایه و حقوق کارگران! ۵ص

با ما در تلگرام تماس بگیرید:

<https://t.me/Komitee1Eghdam>

هر شلاقی که فرود می آید

دو صدا دارد

یک صدا را شلاق زن می شنود

صدای دوم را شلاق خورده

ما صدای دوم شلاق هستیم

کدام صدا قوی تر است؟

ما صدای دوم شلاق هستیم

سید رسول طالب مقدم از اعضای سندیکای شرکت واحد که سال ۹۸ در پی تجمع روز کارگر بازداشت شد، پس از فراخوانده شدن به شعبه یک اجرای احکام دادسرای اوین، بلافاصله بازداشت شده و حکم ۷۴ ضربه شلاق تعزیری وی اجرا شد. رسول طالب مقدم را در پی جاری کردن حکم به قرنطینه‌ی زندان اوین منتقل کردند. بالطبع وی در حال حاضر شرایط جسمانی خوبی ندارد و در خطر ابتلا به بیماری کرونا است.

چند مسئله در اینجا نشانگر حدود توحش دولت سرمایه است. نخست، حکم ناعادلانه‌ای که به صرف حضور در یک تجمع همگانی جاری شده است و پیشاپیش می‌بایست آن را محکوم و تنها در جهت ارباب و سرکوب طبقه کارگر قلمدادش کرد.

فارغ از آن، سوال اساسی این است که بر چه پایه و اساسی طالب مقدم در شرایط بحرانی کنونی، یعنی همه‌گیری ویروس کرونا، که آزادی بیشتر زندانیان جهت کاهش روند ابتلا می‌بایست در دستور کار قرار گیرد به هدف دولت سرمایه مبدل شده است.

همه‌گیری ویروس کرونا، به صورت مقطعی اعتراضات طبقه کارگر را دچار سکون کرد. دولت سرمایه سرحد بهره را با تصویب نرخ ناعادلانه‌ی حداقل دستمزد برد بدون آن که تکانه و یا ضربه‌ای آنچنان شدید را احساس کند. بحران جاری، با وجود آن که معیشت بخش گسترده‌ای از طبقه کارگر را تحت‌تاثیر قرار داده است اما ماهیت بحران زده و بیمار سرمایه‌داری را برای او عریان‌تر از پیش ساخته است. اعتراضات و اعتصاب‌ها در سراسر ایران دگربار شروع شده‌اند. یکی از نمونه‌های این اعتراضات، اعتراض بخشی از رانندگان خصوصی شرکت واحد بود که با نصب بنرهایی به تعویق ۵ ماهه‌ی حقوق، ساعات کار و عدم امنیت و سلامت روحی و جسمی در کارشان اعتراض کردند.

بر اساس یافته‌های خبری، ارگان‌های سرکوب بلافاصله پس از اعتراضات بر حق رانندگان شرکت واحد، رسول طالب مقدم را احضار می‌کنند. طبیعی است که هزینه‌ی سرکوب افراد حاضر در یک تجمع صنفی و سندیکایی برای سرکوبگران طبقه کارگر بیشتر از شلاق زدن یک فعال کارگری به بهانه‌ی یک حکم قانونی است. اما شلاق بر تن رفیقمان نواخته می‌شود تا صدای آن را ما بشنویم. دولت سرمایه، اعلام می‌دارد که در آنی می‌تواند جان و سلامتی ده‌ها تن همچون طالب مقدم را به جهت حراست از قوانین انباشت سود به خطر بیاندازد.

کمیته اقدام کارگری اجرای احکام وحشیانه و ضد کارگری را محکوم می‌کند و ضمن آن خواهان آزادی بی قید و شرط و آنی رسول طالب مقدم است.

پرستاران و ویروس سرمایه داری!

با شیوع ویروس کرونا فشار کاری پرستاران بیش از پیش شدت یافت. کمبود ملزومات و امکانات و همچنین ساعات کار طولانی و پر خطر به بخش جدیدی از رنج‌های پرستاران مبدل شد. جراحات ویروس کرونا، جراحات‌های وارد آمده از سوی دولت سرمایه‌داری را ناسورتر کرد. پرستاران که همواره در طول سال به شکاف موجود میان دستمزد پزشکان و پرستاران، قراردادهای موقت، عدم امنیت شغلی، دستمزدهای معوقه، حق بیمه و عدم برخورداری از تشکل مستقل جهت اشاعه‌ی مطالبات اعتراض داشتند در این دوران بحرانی مورد تقدیس رسانه‌ها و مسئولین هیئت‌حاکم قرار گرفتند. در اوج بحران موج نخست کرونا، بخش‌های خصوصی بسیاری از بیمارستان‌ها دست به اخراج نیروهای درمانی و پرستاران زدند.

ایرج حریرچی معاون وزیر بهداشت که پیشتر ویروس کرونا را یک «ویروس دموکرات» قلمداد کرده بود در این خصوص اعلام داشت: «بخش خصوصی در تمام دنیا تابع ملاحظات خاص خودش است. همچنین در کل دنیا، بخش‌های خصوصی زیادی نیروهای خود را تعدیل کردند که متولی آن وزرات رفاه است و قانون کار در این رابطه حاکم است. ما در این رابطه کار ویژه‌ای نداریم. تنها می‌توانیم به بیمارستان‌های خصوصی توصیه کنیم که در دوره مشکلات با همدیگر مدارا کنید».

گفته‌های حریرچی به عیان‌ترین شیوه، خصلت‌نمای موضع دولت سرمایه‌داری برای ایجاد امنیت شغلی و سلامت اجتماعی است. نماینده فرادستان دولتی آنچنان به صورت تمام قد از بخش‌های خصوصی که امنیت شغلی و معیشت صدها تن و سلامت اجتماعی میلیون‌ها نفر را با تعدیل نیرو تنها به جهت نجات حاشیه سود در دوران ویروس کرونا به خطر می‌اندازند، دفاع می‌کند که از اصل‌های ۴۳ و ۴۴ همان قانون کاری که به آن استناد می‌کند و توسط هیئت حاکم به طبقه کارگر تحمیل شده اطلاعی ندارد. در دورانی که دولت می‌بایست با توسل به قدرت خود و تدارک اقدامات تأمینی تعدیل‌نیرو را نه صرفاً در بیمارستان‌ها بلکه در تمام شغل‌ها ممنوع کند، صرفاً نظاره‌گر اقدامات بخش خصوصی پیمانکاران، و هلدینگ‌های عرصه پزشکی است. طبیعی است که بنیادها و اشخاص حقیقی و حقوقی که منافع یکسانی با دولت سرمایه‌داری دارند تنها تذکر «مدارا» را از برادر بزرگ خود، یعنی دولت می‌شوند و نه چیزی بیشتر.

با روی کار آمدن دولت روحانی طرح‌های خصوصی‌سازی نظام بهداشت به سرعت در دستور کار قرار گرفت و جزء ملزومات انباشت سود محسوب می‌گردید. دولت سرمایه با افق ارزان سازی نیروی کار و افزایش هزینه‌های درمانی، را در مدتی کمتر از ده سال آنچنان پیش برد که اکنون ارتش گسترده‌ی قریب به ۵۵ هزار نفری پرستار جویای کار را مشاهده می‌کنیم. افرادی که ناچاراند جهت تأمین معیشت خود تن به قرارداد های ۸۹ روزه با دستمزدهایی بدهند که ابداً با ساعات کارشان منطبق نیست.

اما مسئله صرفاً به تعدیل نیروها محدود نیست. نابرابری و تبعیض در حوزه درمان هر دم به اشکال جدید خود را نشان می‌دهد. در پی نامه‌ای که از سوی معاونت درمان به ریاست کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی ابلاغ شد، مبالغی برای پاداش کادر درمانی در دوران کرونا در نظر گرفته شده بود که همچنان بازتولیدکننده‌ی تبعیض‌های پیشین میان پزشکان و کادر درمان است.

بر اساس این نامه به پزشکان تخصصی ساعتی ۸۰ هزار تومان، پزشکان عمومی ۵۰ هزار، دستیاران درگیر ۴۰ هزار، انترن و پرستاران درگیر ۲۵ هزار تومان پاداش تعلق می‌گیرد. با وجود ساعات کار طولانی و درگیری پرستاران از پزشکان و متخصصان بیشتر بوده اما پاداش این قشر از کادر درمانی سه برابر سایر بخش‌هاست.

تجمع اعتراض آمیز اخیر پرستاران بر علیه نابرابری‌های موجود، حقوق معوقه و همچنین عدم مشخص بودن وضعیت شغلی‌شان واکنشی اگرچه کوچک اما تأثیر گذار بود که نشان دهد تمام مدیحه‌سرایی‌های دولت سرمایه، هیچ نمود عملی در پی نداشته و در همان سطح تبلیغی بازمانده است.

روند برنامه‌های نئولیبرالی دولت سرمایه و تداوم خصوصی‌سازی‌ها فشارهای طبقاتی بر زندگی پرستاران به عنوان بخشی از طبقه کارگر را تشدید می‌کند. تنها راه مقابله با منطق سرمایه‌تشیکی پرستاران و تنظیم برنامه جهت مقابله علنی و مخفی با اقدامات شرکت‌های خصوصی و نهادهای دولتی است. چنین تشکلهایی می‌بایست با پیوند دادن مطالبات خود به مطالبات توده‌ی ذخیره‌ی نیروی کار پرستاری، منافع خود را در هم گره زده و راه را جهت سرکوب‌های اقتصادی سرمایه‌داری ببندند. مشخص است که با حرکت بر روی برنامه‌های دولتی که درمان را مبدل به امتیاز و امری دسترسی ناپذیر و پر هزینه ساخته، هیچ کدام از حقوق پرستاران و کارگران بخش‌های متفاوت درمان تحقق نمی‌یابد. سود ناشی از استئمار دو جانبه‌ی پرستاران و طبقه‌ی کارگر با تمام قوا در قبال محقق شدن این حقوق از سرمایه‌های دولتی و خصوصی حراست می‌کند.

بحران مسکن (در حاشیه‌ی قتل آسیه پناهی)

مسکن همواره به صورت تاریخی یکی از مسائل عمده‌ی زندگی طبقه کارگر بوده. تأمین هزینه‌ی سرپناه باری مضاعف بر دوش کارگران به حساب آمده و رفته رفته طبقه کارگر را به حاشیه‌ی شهرها، یعنی مکان‌هایی که فاقد ابتدایی‌ترین شرایط زندگی بودند راند. اکنون نیز، افزایش قریب به ۳۰۰ درصدی هزینه‌ی خرید و اجاره خانه توان ناچیز اقتصادی کارگران و فرودستان را چنان کاهش داده است که تأمین سایر مخارج ضروری زندگی عملاً غیر ممکن است. کارگران و فرودستان حاشیه‌نشین ناگزیراند که با شدت یافتن این فشارها دست به ساخت و سازهای غیر رسمی بزنند. (۱)

بدیهی است که دولت سرمایه‌داری به حقوق فرودستان ساکن در حاشیه شهر و زاغه‌ها اعتنایی نخواهد کرد. بسیاری از این مناطق چه در کلان شهرها و چه شهرهای کوچک با بحران آب آشامیدنی سالم، گاز، برق، شبکه‌های فاضلاب و همچنین فقدان مدارس و مراکز تفریحی-ورزشی مواجه‌اند. مبدل شدن این مراکز به کانون‌های بزه زیست خانواده‌های کارگری را هر دم با خطرهای متفاوت و حتی در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. فروپاشی که نه پایان بلکه مقدمه‌ای برای دامن زدن به تناقضات بیشتر نظیر درغلتیدن به فحشا، اعتیاد، شغل‌های کاذب و غیر قانونی و ... است.

سیاست تخریب خانه و زاغه‌های حاشیه شهر، از اوایل دهه ۵۰ تا به امروز در دستور کار هیئت حاکم بوده چرا که دولت سرمایه واقف است که دیر یا زود این توده‌ی به حاشیه‌ی رانده شده خواهان حقوق حداقلی خود خواهد شد. سرمایه‌داری که از اعطای چنین امتیازهایی سر باز زده و از وظایف خود شانه خالی می‌کند، راه‌حل را در تخریب می‌یابد. امری که بحران را نه تنها را ترمیم نمی‌کند بلکه آن را تشدید می‌کند. انقلاب کارگری ۵۷ و اشغال خانه‌های خالی و زمین‌های بایر شهری در سال‌های نخست آن، گواهی بر این امر است. کنش معیشتی-سیاسی‌ای که پس از اندک مدتی توسط دولت سرمایه‌داری و ضد انقلاب جمهوری اسلامی با توسل به تهدیدهای پلیسی و قهری پس رانده شد.

طبیعی است که بحران مسکن، با افزایش فشارهای اقتصادی ضرباهنگ تندتری می‌یابد. قریب به دو میلیون خانوار بی‌سرپناه در ایران وجود دارد و محل سکونت بیش از ۱۰ میلیون خانوار نیازمند نوسازی اساسی است. چرا که بافت محل دچار فرسودگی است. و در صورت بروز حوادثی طبیعی جان خانوارهای مستقر در آن، در معرض خطر است. اما دولت سرمایه قائل به بحران موجود نیست چرا که قائل به نیازهای توده‌ی مردم در این حوزه نبوده و نیازهایی که می‌تواند روند انباشت سود را در پی داشته و یا آن را تسهیل کند را در اولویت قرار می‌دهد. فاکتورهایی که تأثیر مستقیم بر روی کاهش ارزش دستمزد کارگران و همچنین رشد بیش از پیش هزینه‌ی اجاره‌ها شود. سرمایه‌داری بافت شهری را با توجه به نیازهای خود و همچنین به طریقی شکل می‌دهد که بتواند توده‌ی کارگران و نیروی ذخیره کار را همواره در دسترس داشته باشد.

بحران موجود در حوزه مسکن، پیشاپیش به سرشت شیوهی تولید حاکم بر جامعه گره خورده است. نمی‌توان این بحران را مسئله‌ای تک افتاده قلمداد کرد که توسط فلان طرح و یا بهمان برنامه‌ی دولتی قابل حل است. چرا که این امر به معنای چشم‌پوشی از روابط اجتماعی جاری و همچنین منطق سرمایه است. منطقی که در تلاش است و سالهاست در قالب برنامه‌های متفاوت تضاد میان شهر و روستا و همچنین حاشیه و مرکز را آنچنان دامن بخشیده و طبقه کارگر را جهت تأمین سرپناه با مشکل مواجهه ساخته است.

مرگ آسیه پناهی در پی تخریب خانه‌اش نشانگر حدود توحش سرمایه‌داری جهت پیشبرد اهداف خود است. اهدافی که قائل به وجود حتی کوچک‌ترین آلونک‌هایی که تنها پناهگاه فرودستان به حساب می‌آید نیست.

اعطای مسکن به آحاد طبقه کارگر، امری است که تنها در صورت برافتادن شیوه تولید استثمارگرانه‌ی کنونی و برقراری شیوهی تولید با برنامه‌ی تکامل و رشد توسعه‌ی پایدار امکان پذیر است.

۱. دولت سرمایه‌داری این نوع ساخت و سازها را «غیر قانونی» خطاب می‌کند. قانون طبقاتی که در خدمت منافع طبقه حاکم است و قائل به حق مسکن همگانی نیست. قانونی که پرت‌ترین و دور افتاده‌ترین نقاط شهری را ملک شش دانگ سرمایه‌داری قلمداد کرده و حاضر نیست حضور بی‌هزینه‌ی کارگران را حتی در آن فقدان ملزومات حداقلی تاب آورد.

عرضه شستا در بازار بورس: غارت آشکار سرمایه و حقوق کارگران!

با افزایش میزان تورم و موازی با آن کاهش ارزش پول ملی، دولت سرمایه‌داری تلاش می‌کند تا همگام با رویه‌ی استثمار کارگران انباشت سرمایه را بدون توجه به اختلالات پیش آمده و موانع موجود همچون پیش جلو برد. اما شیوه‌ی کار در چنین ادواری طبیعتاً تغییرات جزئی و ظاهری نیاز دارد تا دولت سرمایه به کمک آن بتواند حجم بحران ساختاری را تعدیل، و یا به صورت حداقلی کاهش دهد.

بر اساس اعلام روابط عمومی بورس تهران، سهام هلدینگ شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) روز چهارشنبه ۲۷ فروردین برای اولین بار در بورس عرضه شده است. در مجموع ۸ میلیارد سهم عرضه شده که از این تعداد ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون سهم برای عرضه عمومی و یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون سهم هم به منظور عرضه به صندوق‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده بود.

فراخوان دولت سرمایه جهت خصوصی‌سازی، بیشتر هستی و دارایی طبقه کارگر به میانه‌ی سازمان بورس، چند امتیاز مشخص به همراه خود خواهد داشت.

(شستا) به عنوان نماینده‌ی یکی از ارگان‌های دولتی، از دید توده‌ی مردم نوعی رسمیت بخشیدن به بازار بورس از سوی دولت قلمداد خواهد شد. و فارغ از آن به عنوان یک سرمایه دولتی (بخوانید سرمایه‌ی اجتماعی به تاراج رفته‌ی کارگران) به فعالان و سرمایه‌گذاران بورس وعده‌ی سرمایه‌گذاری امن را می‌دهد. همچنین چند رشته‌ای بودن آن، یعنی تعدد و تنوع حوزه‌های صنعتی موجود در آن موجب می‌شود تا از زیان‌های معمول که شاخص ارزش بسیاری از عرضه کنندگان بورس را تهدید می‌کند مصون بماند. اما هدایت شدن حجم گسترده‌ای از نقدینگی به بورس، همان هدفی‌ست که دولت سرمایه‌داری در تلاش است هر دم بیشتر آن را محقق سازد. و از همین رو است که در طی چند ماه اخیر و دنبال بحران‌های دامنه‌دار با توسل به ده‌ها تریبون رسمی فعالیت و سرمایه‌گذاری در بازار بورس را تبلیغ می‌کند.

محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پی عرضه‌ی شستا در بورس اعلام کرد: «شستا بورسی شد. یعنی تحقق یک وعده‌ی بزرگ. با عرضه اولیه شستا به عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ چند رشته‌ای کشور، گام جدیدی به سوی شفافیت و صیانت از منافع بیمه‌شدگان برداشته شد. این بازی برد-برد برای بیمه‌شدگان و اقتصاد ایران است».

خبری که وزیر کار آن را چنان پر شور اعلام می‌کند در واقع، فراخوان به بورژوازی برای چپاول حقوق میلیون‌ها کارگر است. قواعد در بازی که آقای وزیر از آن حرف می‌زند هیچگاه اجازه‌ی برد را به کارگران نخواهد داد چرا که با این کار هستی خود سرمایه‌داری و سرشت آن زیر سوال می‌رود. کارگران عملاً قادر به هیچ نوع اعمال اراده‌ای بر روی این برنامه نیستند و هیچ اطلاعاتی نیز در خصوص روند سودآوری و حرکت آن در بازار به آنان داده نخواهد شد. طبیعی است که غول‌های اقتصادی شستا همچون سایر کارخانه‌های تولیدی قائل به روشن سازی گردش مالی، وضعیت دفاتر سالی و توضیح جهت نهایی استقرار سرمایه‌ی به سرقت رفته‌ی کارگران به آنها و نمایندگانشان نخواهند بود.

تناقض مشخصی این امر را اثبات خواهد کرد که روانه شدن شستا به بازار بورس نه در جهت تسهیل معیشت کارگران بلکه بر مبنای ضرورت انباشت سرمایه است. شستا که با تکیه بر حقوق به سرقت برده کارگران توسط سازمان تأمین اجتماعی بیش از دو دهه است که در صنایع نفت، فولاد و پتروشیمی سهم داشته و در چند سال اخیر نیز شرکت‌های مخابراتی نظیر رایتل و هلدینگ‌های سیمان فارس و خوزستان را به مجموعه سهام خود الحاق کرده چه تغییر کیفی در جهت بهبود وضعیت بیمه‌شدگان به وجود آورده است؟ هر روز بیش از پیش هزینه‌های درمانی سر به فلک کشیده و سازمان تأمین اجتماعی از هزینه‌های درمانی، دارویی و پزشکی به عنوان مختلف شانه خالی می‌کند. نیروهای تعدیل شده در سراسر کشور ماه‌ها بدون آنکه از بیمه‌های بیکاری بهره ببرند ناچارند که ماه‌ها سختی و فشار را محتمل شوند. و در نمونه اخیر نیز یعنی همه‌گیری ویروس کرونا که موجب بیکاری توده‌ی کثیری از کارگران شد نیز نه تنها هیچ‌گونه عملکرد تأمینی از سوی این سازمان‌های دولتی به نفع طبقه کارگر شکل نگرفت بلکه خیز آنان به سوی استثمار بیش از پیش کارگران جهت ترمیم زیان‌های اقتصادی را شاهد بودیم.

کارگزاران دولت سرمایه مدعی‌اند که عایدی روانه شدن شستا به بازار بورس به خود کارگران و بیمه‌شدگان باز خواهد گشت. سوالی که برای طبقه کارگر مطرح می‌شود آن است که چگونه نمایندگان آن، هیچ حقی برای تصمیم‌گیری در خصوص این اقدام نداشته و چگونه قرار است عایدی را بدون آنکه از نقطه نظر حقوقی صاحب سهم باشد به او تخصیص داد؟ نقش کارگران درست مثل نقش آنها در تعیین نرخ حداقل دستمزد، در خصوص حرکت سرمایه‌ای که سالهاست از آنان در مابه‌ازای خدمات اجتماعی که ارائه نشده و به سرقت می‌رود نیز نادیده گرفته شد.

دولت سرمایه تنها بعد انباشت را در نظر گرفته است، بدون آنکه بداند گسل مبارزه طبقاتی را بر علیه خود عمیق‌تر کرده است. محور مبارزه طبقاتی کارگران با چنین اقداماتی گسترده‌ی یافته و ابعاد پنهان دولت سرمایه‌داری را برای آنان آشکار می‌کند. برنامه‌های کوتاه مدتی که سرمایه‌داری برای بقای خود تدارک می‌بیند، سرآغاز مبارزات ادامه‌دار و شکل‌گیری ذهنیت سازمانی جهت حرکت طبقه کارگر به سمت خلع قدرت از سرمایه‌داران است.

با ما در تلگرام تماس بگیرید:

<https://t.me/Komitee1Eghdam>